خبر

## نیاز سیب زمینی گلستان به فرآوری

سالیانه در ۵ تا ۸ هزار هکتار از زمین های زراعی گلستان سیب زمینی کاشته می شود که فراوری این محصول و راه اندازی صنایع تبدیلی علاوه بر افزودن به سطح زیرکشت و بیشتر شدن درآمد کشاورزان، فرصت های شغلی جدید را برای جوانان استان ایجاد خواهد کرد. به گزارش ایرنا، قیمت پایین در زمان برداشت محصول، ماندگاری کم و نگرانی مداوم کشاورزان برای فروش سیب زمینی در هر سال زراعی از جمله دغدغه هایی است که از سوی مختار مهاجر رییس سازمان جهادکشاورزی استان، مرداد ماه امسال در کارگره تنظیم بازار استان مطرح و برای آن درخواست چاره جویی شد.دولت برای جلوگیری از وارد شدن زیان به سیب زمینی کاران، این محصول را به صورت تضمینی خریداری می کند اما بخش عمده درآمدها همچنان به جیب دلالان می روند و به همین دلیل این اقدام رضایت سیب زمینی کاران گلستان را جلب نکرده است.با این وجود مسوولان گلستان برای رفع نگرانی سیب زمینی کاران در کنار اجرای طرح های کوتاه مدت از جمله فعال کردن صادرات محصول به خارج از کشور به ویژه آسیای میانه و استفاده از طرح خرید تضمینی، طرح بلند مدت مانند ایجاد صنایع تبدیلی و فراوری با هدف افزایش ارزش افزوده و ایجاد فرصت های شغلی جدید را در دستور کار قرار داده اند.امسال ایجاد واحد فرآوری سیب زمینی در شهرستان رامیان با حمایت سازمان جهادکشاورزی استان به ثمر نشسته و این کارخانه با ظرفیت فرآوری سالیانه پنج تا ۱۰ هزار تن محصول همزمان با دهه مبارک فجر انقلاب اسلامی مورد بهره برداری قرار می گیرد.مدیرصنایع تبدیلی و غذایی سازمان جهادکشاورزی گلستان گفت امسال ۲ مجوز ایجاد واحدهای فرآوری سیب زمینی در استان صادر شد.عید محمد فاروقی اظهار داشت: برای فرآوری سیب زمینی در بخش های نیمه آماده منجمد با ظرفیت ۹ هزار تن، انواع اسنک با ظرفیت ۹ هزار تن، پَره سیب زمینی با ظرفیت ۹ هزار تن و چیپس با ظرفیت ۶ هزار و ۵۰۰ تن و ایجاد انبار با ظرفیت ۲۰ هزار تن در شهرک صنعتی سرخنکلاته گرگان برای یک متقاضی مجوز صادر شده است. به گفته وی با ایجاد این طرح علاوه بر کمک به رونق کشت سیب زمینی و رفع نگرانی بخشی از کشاورزان و ایجاد ارزش افزوده، ۲۰۰ فرصت شغلی جدید ایجاد می شود.

## آگهی مجمع عمومی

**به اطلاع اعضای محترم انجمن صنفی تولید کنندگان شن و ماسه استان گلستان می رساند مجمع عمومی عادی انجمن روز یکشنبه ۹۷/۱۱/۱۴ راس ساعت ۱۱ برگزار می گردد.**

**مکان: گرگان بین جرجان ۱۱ و ۱۳ تالار پذیرایی سبزینه**

**دستور کار مجمع:**

**ـ گزارش هیات مدیره و اتخاذ تصمیم نسبت به آن**

**ـ استماع و رسیدگی و اتخاذ تصمیم و تصویب گزارش مالی خزانه دار**

**ـ انتخاب اعضای هیات مدیره و بازرس انجمن**

**ـسایر موارد که در صلاحیت مجمع فوق العاده نباشد**

**هیات مدیره انجمن**

## مفقودی

**کارت عضویت بازرگانی به شماره شناسایی ۲۲۴۰۰۵۱۷۳۸ متعلق به پویا گودرزی فرزند ابوالحسن به شماره شناسنامه ۲۲۴۰۰۵۱۷۳۸ در تاریخ ۹۷/۷/۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.**

# وضعیت ساخت و ساز در گلستان فاجعه است

رئیس سازمان نظام مهندسی گلستان گفت:وضعیت فعلی ساخت و ساز ساختمان در گلستان به دلیل نبود نظارت و کنترل کافی برای فرآیندها فاجعه است. به گزارش مهر، حدود یک ماه از انتخاب رئیس جدید سازمان نظام مهندسی ساختمان گلستان می گذرد و حسین ویزواری به ریاست جدید این سازمان انتخاب شده است. واگذاری بخش عظیمی از فعالیت های نظام مهندسی ساختمان در زمینه ساخت و ساز و نظارت به شهرداری ها و مالکان مشکلات فراوانی را برای صنعت ساخت و ساز کشور به وجود آورده است، برای بررسی شرایط موجود و عواقب این تصمیم بر صنعت ساخت و ساز ساختمان در گلستان که در دوران وزارت عباس آخوندی به عنوان وزیر راه و شهرسازی عملیاتی شد با حسین ویزواری به گفتگو نشستیم.رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان گلستان اظهار کرد: آقای آخوندی در زمینه ساخت و ساز تفکرات خاصی داشت که جامعه نظام مهندسی ساختمان با آن بی گانه نبودند و آن را در حد تئوری می دانستند اما بعد از آمدن آقای آخوندی به وزارت راه و شهرسازی این برنامه ها پیاده سازی شد.حسین ویزواری افزود: طرز تفکر جناب آخوندی موافقین و منتقدانی داشت و به فعالیت های ایشان نقد بسیاری وارد است و من به جرأت می توانم بگویم ایشان راهکار درستی برای اجرایی کردن طرز تفکرات در پیش نگرفت، مثل موضوع کنترل نقشه ساختمان که در سازمان نظام مهندسی انجام نشود. وی تصریح کرد: قبلا شرایط به گونه ای بود که وقتی یک مهندس طراحی ساختمان انجام می دهد نقشه ها به سازمان نظام مهندسی وارد و کنترل می شود و در مقررات ملی ساختمان پیش بینی شده سازمان نظام مهندسی ساختمان یکی از وظایفش کنترل و بازبینی طرح ها و نقشه ها و مدارک فنی ساختمان است.ویزواری گفت: آخوندی معتقد بود سازمان نظام مهندسی نباید وارد این مسائل شود و کنترل نقشه ها با شهرداری هاست، مطرح شدن این موضوع موجب اختلاف بین دو وزارت خانه شد و در نهایت کار به معاونت حقوقی ریاست جمهوری رسید، من در این رابطه اظهار نظری نمی کنم اما خطاب به آقای آخوندی می گویم اگر فرمایش شما درست بود و تا حالا هم اشتباه شده بود نباید یک شبه برای آن تصمیم گرفته می شد و تمام زحماتی که طی این سال ها برای نظام مهندسی کشیده شد زیر پا گذاشته می شد.وی با بیان اینکه اجرای این مهم در گلستان نیازمند زیر ساخت و برنامه است، اظهار کرد: بعد از گذشت چندین ماه از این قضیه در استان گلستان حتی یک نقشه کنترل نمی شود و این برای استان گلستان یک فاجعه محسوب می شود. رئیس سازمان نظام مهندسی گلستان گفت: تکلیف قانونی که مقررات ساختمان بر گردن نظام مهندسی گذاشته بابت کنترل طرح ها و نقشه و بازبینی مدارک است.ویزواری افزود: زمانی که بین طراح نقشه و مالک ارتباط مالی برقرار می شود و سازمان نظام مهندسی کنار گذاشته می شود، یک طرف ارائه دهنده خدمات و طرفی دیگر دریافت کننده خدمات است و دیگر هیچ نظارتی بر مالیات و کیفیت ساختمان وجود ندارد، اما در گذشته این پول از مالک گرفته می شد و در اختیار سازمان نظام مهندسی بود تا زمانی که بازدید ها و بازبینی ها به اتمام برسد و در نهایت در جلسه ای با نماینده شهرداری برگزار می شد و ضابطه های شهرداری چک و تایید می شد آن زمان پول به مهندس طراح داده می شد اما حالا بازار رقابت آزاد شده است و شاهد بازار تخفیف های نجومی در این امر و فقدان نظارت کافی هستیم. وی ادامه داد: من به عنوان رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان گلستان به تمام مراجعی که می توانستم به شکل کتبی، شفاهی و یا حضوری اعلام کردم که واقعا ساخت و ساز گلستان به شدت در معرض خطر است و باید بحث طراحی کنترل شود و صرف اینکه مهندسی دو نقشه به فردی بدهد که در شهرداری مهر زده شود و شروع به ساخت شود این یک فاجعه است. ویزواری با بیان اینکه امیدوارم در هیچ کجای این کره خاکی زلزله رخ ندهد اما وقتی رخ داد متوجه مشکلات آن می شویم، افزود: پنج دی سالروز زلزله بم بود که در سطح کشور همایش های مختلفی با هزینه های زیادی در این زمینه برگزار می شود اما زمانی که چنین کارهایی انجام می شود و نقشه ها در نظام مهندسی ساختمان چک نمی شود این کار چه فایده ای دارد؟ رئیس سازمان نظام مهندسی گلستان افزود: یکی از ایراداتی که به سازمان نظام مهندسی ساختمان گرفته می شد طولانی بودن زمان بررسی ها بود اما علت این امر چه بود؟ علت این طولانی شدن ها این بود که به نقشه ها ایراد گرفته می شد، یا ورژن های جدید محاسبات به آن اضافه می شد یا مقررات به روز رسانی می شود و این کنترل ها زمان بر بود.ویزواری ادامه داد: در حال حاضر این فرایند کنترل انجام نمی شود و این موضوع زنگ خطری برای استان گلستان به شمار می رود، علت تاکید من بر استان گلستان این است که در بسیاری از استان ها همچنان فرآیند نظارت بر نقشه های ساخت و سازتوسط نظام مهندسی ساختمان در حال انجام است و زیر بار این تغییرات نرفته اند اما در گلستان خیر.وی افزود: از معاونت عمرانی استاندار گرفته تا مدیرکل فنی دفتر استاندار، راه و شهرسازی و شهرداری ها همه در چرخه ساخت و سازها دخیل هستند و ما بارها در ملاقات های حضوری و جلسات مختلف درخواست کردیم تا این موضوع بازنگری شود و این نظارت به سازمان بازگردد اما موفق نشدیم.ویزواری گفت: در روال قبلی مالک ناظر خود را انتخاب نمی کرد بلکه سازمان نظام مهندسی ناظر را انتخاب و به مالک معرفی می کرد چون در هر صورت ناظر مدافع منافع بهره برداران آینده ساختمان است تا زمانی که یک فردی که سرمایه های خود را جمع می کند تاسرپناهی برای خود داشته باشد به امید اینکه یک دستگاه نظارت حافظ منافع آن هاست اینکار را انجام می دهد اما اکنون این مالکان پروژه ها هستند که ناظران خود را انتخاب می کنند.وی تصریح کرد: قبلا سازمان نظام مهندسی از بین کسانی که صاحب صلاحیت بودند به شکل تصادفی (Random) ناظر را انتخاب می کرد و این مهندس ناظر باید حداقل سه سال از پروانه اشتغال به کارش بگذرد و سوابقی داشته باشد و نمره قبولی کسب کرده باشد.

**رابطه مالی بین ناظر و مالک ساختمان سمی برای صنعت ساخت و ساز است**

ویزواری با اشاره به تبعات انتخاب ناظر توسط خود مالک گفت: هرگونه رابطه مالی بین ناظر و مالک سمی برای ساخت و ساز است و زمانی که ناظرین توسط مالکین انتخاب می شوند فشار زیادی روی آن هاست از طرفی رقابت ناسالم و از طرفی دیگر تخفیف های آنچنانی از سوی دیگر ناظران کار را سخت می کند.وی گفت: در برخی موارد به ما گزارش شده مالک با انتخاب ناظر از او می خواهد ۷۰ درصد تخفیف دهد و برگه های سفید را امضا کند و دیگر کاری به نحوه ساخت و ساختمان نداشته باشد و تهدید می کند اگر این کار را انجام ندهی به سراغ یک مهندس دیگر میروم و ممکن است در بین فشارهای اقتصادی برخی از مهندسین چنین کاری انجام دهند.ویزواری گفت: از بین ۹ هزار و ۵۰۰ مهندس در استان گلستان حداقل پنج هزار و ۵۰۰ مهندس در پایه های مختلف پروانه استغال دارند. رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان گلستان گفت: قانون گذار گفته است سازنده ساختمان باید مجری صاحب صلاحیت باشد اما شاهدیم در کشور ما از دکتر و وکیل و ... گرفته وارد صنعت ساختمان سازی می شوند؛ نظام مهندسی ساختمان قدرت اجرایی ندارد و ناظر است ما تنها می توانیم به تصمیم گیران استانی نامه بنویسیم که وضعیت اینگونه است و اجازه ندهیم افراد فاقد صلاحیت ساختمان سازی کنند. ویزواری ادامه داد: دادن صلاحیت به دست ما نیست بلکه قانون گذار آن را تعیین می کند و مرجع صدور صلاحیت وزارت راه و شهرسازی است که پروانه مجری به عده ای از مهندسین می دهد اما حمایتی از آن ها نمی کند.

## ۲۰ گونه گیاه دارویی در گلستان قابلیت سرمایه گذاری دارد

رییس مرکز تحقیقات سازمان جهاد کشاورزی گلستان گفت: ۲۰ گونه گیاه دارویی در استان دارای اولویت برای کشت صنعتی و سرمایه گذاری است. ابوالفضل فرجی در گفتگو با ایرنا اظهار داشت: سرمایه گذاری بر روی ۲۰ گونه مورد نظر جهاد کشاورزی می تواند موجب ایجاد فرصت های شغلی فراوان شود. وی گفت: گاوزبان، سرخار گل، آویشن باغی، بابونه، رزماری، در مناطق جلگه و دشت گیاهان زیره سبز، افسنطین، ماریتیغال و در جلگه گیاه رازک، از جمله این گیاهان دارویی است.استان مرزی گلستان با جای دادن هفت اقلیم از ۱۳ اقلیم دنیا و خاک مناسب، زمینه مناسبی برای رشد انواع گیاهان دارویی دارد.این استان شمالی اقتصادی متکی به کشاورزی دارد به طوری که طبق گزارش اخیر سازمان جهادکشاورزی گلستان، در این خطه چهار میلیون و ۹۵۰ هزار تن محصول کشاورزی تولید می شود. طبق گزارش دستگاه های مرتبط با گیاهان دارویی در گلستان، از مجموع گیاهان شناسایی شده در استان ۴۰۹ گونه آن دارویی است که ۱۵۶ گونه درجنگل ها، ۹۸ گونه در مراتع، ۴۷ گونه درحاشیه مزارع و ۱۰۸ گونه دیگر به صورت مشترک در اراضی جنگلی، مرتعی و زراعی رشد می کند. همچنین به گفته مسوولان حوزه باغبانی جهاد کشاورزی گلستان، سال زراعی قبل سطح زیر کشت گیاهان دارویی استان (به جز گونه های خودرو) افزون بر ۲ هزار و ۲۰۰ هکتار بوده که بیشتر آن به زیره اختصاص داشت.کارشناسان و دست اندرکاران حوزه گیاهان دارویی در گلستان معتقدند این استان با داشتن شرایط اقلیمی و آب و هوای مناسب می تواند به قطب گیاهان دارویی کشور تبدیل شود زیرا بسیاری از گونه های آن به صورت خودرو وجود دارد.

## فعالیت مستقیم ۱۰۰ نیروی کار در پروژه روگذر افسران

شهردار گرگان از فعالیت مستقیم ۱۰۰ نیروی کار در پروژه روگذر افسران خبر داد و گفت: برای تسریع در اجرای پروژه به تدریج نیروی کار به پروژه اضافه خواهد شد. به گزارش مرکز اطلاع‌رسانی روابط عمومی شهرداری گرگان، عبدالرضا دادبود در حاشیه بازدید از پروژه‌روگذرافسران گرگان اظهار کرد: پروژه‌خوشبختانه از زمان‌بندی خودش جلوتر است و کارگاه به تناسب نوع اجرا در مراحل مختلف پروژه و با توجه به شرایط آب و هوایی در شیفت‌های مختلف فعال است. دادبود با اشاره به اینکه ۱۰۰ نفر به صورت مستقیم در این پروژه مشغول به فعالیت هستند، خاطرنشان کرد: به تدریج برای تسریع در روند پروژه تعداد نیروها اضافه خواهد شد و تلاش خواهیم کرد پروژه هرچه سریعتر به بهره‌برداری برسد. شهردار گرگان تاکید کرد: برنامه زمان‌بندی پروژه یک ساله است و تا آبان ماه سال ۱۳۹۸ پیش‌بینی زمان‌بندی پروژه انجام شده اما تلاش بر این است که بتوانیم حداقل پروژه را چهار ماه زودتر به بهره‌برداری برسانیم. دادبود با اشاره به نزدیک شدن به ایام نوروز، بیان کرد: من از شهروندان تشکر می‌کنم که اجرای پروژه‌ها شهرداری را همراهی می‌کنند و با توجه به اینکه این پروژه در نوع ترافیکی است، احتمال وجود دارد که در اسفندماه قدری در حوزه تردد و ترافیک با مشکلاتی مواجه باشیم. وی اضافه کرد: هماهنگی‌های لازم صورت گرفته که کمترین اختلال در عبور و مرور ایجاد شود اما ضمن عذرخواهی و پوزش از تمامی شهروندان بخاطر مزاحمت‌هایی که پیش خواهد آمد، امیدوارم شهروندان با صبر خودشان ما را همراهی کنند و به امید پروردگار بعد از به بهره‌برداری رسیدن این پروژه ما در این محدوده تا میدان بسیج دیگر هیچ ترافیکی نخواهیم داشت.

**» آگهی‌های ثبتی**

### آگهی نوبتی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

۱- کلاسه ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۰۷۳۹ برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۳۸۹–۹۷/۷/۲۵ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی محمد حسین ابراهیمی فرزند محمدعلی در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۴۶۹۷/۷۰ مترمربع جزء باقیمانده پلاک ۱ -اصلی بخشی دو ثبت بندرگز (اراضی لیوان) خریداری بلاواسطه از مالک رسمی آقای اسماعیل جمال لیوانی محرز گردیده است.

۲- کلاسه ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۹۰۰۰۰۳۶ برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۴۹۰ – ۹۷/۸/۲۶ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی عبدالرضا عسگری فرزند مرادعلی در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۳۰۱۴ مترمربع جزء باقیمانده پلاک یک اصلی بخشی دو ثبت بندرگز (اراضی کهنه کلباد) خریداری مع الواسطه از مالک رسمی خانم نورجهان عبداللهی محرز گردیده است.

۳- کلاسه ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۹۰۰۰۲۹۹ برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۴۶۷–۹۷/۸/۲۰ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی زینب خاتون شربتی فرزند عباسعلی در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۴۳۰/۴۷ مترمربع جزء باقیمانده پلاک ۴/۱۳۷۰–اصلی بخشی دو ثبت بندرگز (اراضی نوکنده) خریداری مع الواسطه از مالک رسمی از باقر شهاب نوکنده محرز گردیده است.

۴- کلاسه ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۹۰۰۰۰۴۲ برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۴۰۱–۹۷/۷/۲۸ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی خانم منصوره ترابی دشتی فرزند محمدرضا در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۸۴۶۳ مترمربع جزء باقیمانده پلاک ۶- اصلی بخشی دو ثبت بندرگز (اراضی دشتی کلاته ) که مقدار ۹ سهم و ۱۸۱ ضرب مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه وقف عام است. خریداری مع الواسطه از مالک رسمی نورالله ترابی دشتی محرز گردیده است.

۵- کلاسه ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۹۰۰۰۰۱۵ برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۴۷۴ – ۹۷/۸/۲۱ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی صادق خاری فرزند علی اکبر در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۶۸۶/۶۰ مترمربع جزء باقیمانده پلاک ۹–اصلی بخشی دو ثبت بندرگز (اراضی ولفرا ) که میزان ۲۰/۵۰ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه وقف عام است. خریداری مع الواسطه از مالک رسمی علی اکبر خاری محرز گردیده است.

۶- کلاسه ۱۳۹۳۱۱۴۴۱۲۰۰۹۰۰۰۰۸۵ برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۴۸۵ – ۹۷/۸/۲۳ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی حسن اکبرپا فرزند غلامحسین در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۴۴۲۶ مترمربع جزء باقیمانده پلاک ۹- اصلی بخشی دو ثبت بندرگز (اراضی والفرا) که میزان ۲۰/۵۰ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه وقف عام است. خریداری مع الواسطه از مالک رسمی محمد درویشی محرز گردیده است.

۷- کلاسه ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۹۰۰۰۲۳۷ برابر رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۳۹۷ – ۹۷/۷/۲۸ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی سجاد جهان تیغ فرزند علی اکبر در ششدانگ یک قطعه باغ با بنای احداثی در آن (بصورت مرغداری) به مساحت ۱۰۴۸۰ مترمربع جزء باقیمانده پلاک ۱۱- اصلی بخشی دو ثبت بندرگز (اراضی سرطاق ) که مقدار دو دانگ مشاع از ششدانگ عرصه وقف عام است. خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای سید قاسم موسوی محرز گردیده است.

رای اصلاحی

۸- پیرو رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۶۸۷مورخ ۹۵/۱۲/۲۶ و برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۴۴۴ مورخ ۹۷/۸/۱۴ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز کلاسه ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۹۰۰۰۰۲۴ مالکیت متقاضی علی اصغر امامی فرزند محمدهاشم در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۲۵۰۰ مترمربع دارای پلاک ۷/۹۶- اصلی بخشی دو ثبت بندرگز (اراضی شاه پسند ) خریداری بلاواسطه از مالک رسمی حسن خاری محرز گردیده است. میزان مساحت مورد تقاضا بدون تغییر در طول و ابعاد ۱۲۹۰۶ متر مربع می باشد که ۴۰۶ متر مربع اضافه مساحت دارد.

۹- پیرو رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۰۲۹مورخ ۹۷/۱/۲۱ و برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۵۰۰ مورخ ۹۷/۸/۲۹ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز کلاسه ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۹۰۰۰۰۴۴ مالکیت متقاضی منصور رئیسی فرزند رمضان در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۳۱۵۶/۵۰ مترمربع دارای پلاک ۸/۳۳۸۱- اصلی بخشی دو ثبت بندرگز (اراضی گز ) خریداری مع الواسطه از مالک رسمی نورمحمد پورسلطان محرز گردیده است. که حد جنوب قسمت دوم بطول ۲/۵۰ متر صحیح می باشد.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت دو ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.(مهلت اعتراض به آگهی های اصلاحی یک ماه می باشد.)

تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۹۷/۱۰/۳
تاریخ انتشار نوبت دوم: چهار شنبه ۹۷/۱۰/۱۹
دلدار – رئیس ثبت اسناد و املاک بندرگز– م.الف– ۹۷/۱۸۸

**» آگهی‌های ثبتی**

### تاسیس شرکت سهامی خاص دشت سبز پردیس هیرکان

درتاریخ ۱۳۹۷/۰۵/۰۳ به شماره ثبت ۱۲۶۴۲ به شناسه ملی ۱۴۰۰۷۷۴۱۱۶۰ ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد. موضوع فعالیت :– امور آشپزخانه و رستوران: شامل طبخ و توزیع غذا، اداره رستوران و بوفه و آشپزخانه مرکزی. نگهداری وخدمات فضای سبز: شامل خدمات باغبانی و نگهداری فضای سبز رنگ آمیزی بلوارها و خدمات زیباسازی شهری. درصورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط مدت فعالیت : از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی : استان گلستان – شهرستان گرگان – بخش مرکزی – شهر گرگان–محله طهماسبی–کوچه پیام ۶ [دهم]–خیابان طهماسبی [جمهوری ۹]–پلاک ۰–طبقه همکف– کدپستی ۴۹۱۹۶۵۵۳۱۹ سرمایه شخصیت حقوقی عبارت است از مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰ ریال نقدی منقسم به ۱۰۰ سهم ۱۰۰۰۰ ریالی تعداد ۱۰۰ سهم آن با نام عادی مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۲۲۳۶۰۲۱۸ مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۰۳ نزد بانک کشاورزی شعبه خیابان شهدا با کد ۴۴۹۶ پرداخت گردیده است اعضا هیئت مدیره خانم لاله فتحی به شماره ملی ۲۱۲۰۲۹۷۱۷۷ به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت ۲ سال خانم مدینه تاجیک به شماره ملی ۲۱۲۰۷۹۰۸۰۹و به سمت نایب رئیس هیئت مدیره به مدت ۲ سال آقای میثم علی زاد به شماره ملی ۲۱۲۲۶۴۸۶۵۱و به سمت مدیرعامل به مدت ۲ سال و به سمت عضو هیئت مدیره به مدت ۲ سال دارندگان حق امضا : کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک ، سفته ، بروات ، قراردادها و عقوداسلامی و سایر اوراق عادی و اداری با امضاء منفرد رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد. اختیارات مدیر عامل : طبق اساسنامه بازرسان آقای امین علی زاد به شماره ملی ۲۱۱۰۷۷۵۵۴۸ به سمت بازرس اصلی به مدت یک سال مالی آقای پیمان نامنی به شماره ملی ۲۲۴۹۱۷۹۰۸۵ به سمت بازرس علی البدل به مدت یک سال مالی روزنامه کثیر الانتشار گلشن مهر جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید. ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گلستان– اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری گرگان–شناسه آگهی ۳۴۱۱۲۴

ادامه یادداشت اول

## باید ها و شایدهای فضای مجازی در گلستان

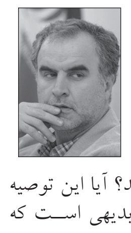

آیامی توان به کسی که قانون به او اجازه ی داد خواهی داده است توصیه کرد از شکایت صرف نظر کندو از حقی که گمان می کند از آن اوست دست بکشد؟ آیا این توصیه خلاف اخلاق نیست،بدیهی است که نمی توان چنین خواسته ای داشت اما دراین‌میان‌چه‌بایدکرد؟

**ج_قانون**

طبیعی است در تصادم اخلاق و حقوق باید به نوعی قرار داد رضایت داد تا جامعه به گذرگاه خشونت در نیفتد .به این خاطر قانون که مرز مشترک عقلانیت بشر مدرن است می تواند چنین فاصله ای را پر کند و جاده را به سمت آبادی راهنمایی کند ،به این دلیل گمان می کنم راهی جز تمکین به قانون وجود ندارد زیرا پیش از این نتوانسته اند بر سر مجادلات خود به گونه ای رضایتمندانه به توافق دست پیدا کنند .بنابر این تن به قانون می دهند و از قضا قانون و عمل به قانون نیز یکی از ارزشهای مقدس جامعه مدرن نیز هست ،پس همگان می پذیرند حال که چراغ های رابطه در حال خاموشی است پس با تمسک به قانون عادلانه و منصفانه گره های کور را باز کنند.

**د_قدرت**

اگر تا دیروز باورها این بود که دانش تولید قدرت می کند امروز بسیاری بر این باورند که قدرت تولید مشروعیت و دانش می کند ،قدرت می تواند تاریخ را تعدیل یا تحریف کند ،قدرت می تواند نعل وارونه بزند قدرت می تواند بر بسیاری از عناصر ساختاری تاثیر گذارد و می گذارد ،قدرت می تواند ناحق را حق جلوه دهد و می دهد،در این صورت چگونه می توان به کسی قدرت داد .این سوالی بود که بشر سالها با آن در چالش بود و امروز آن را با ساماندهی رسانه ها واحزاب مستقل پاسخ داده است تا این پدیده افسار گسیخته را مقید کند تا در برابر لویاتان ترسناک هابزی ایستادگی نماید، به این خاطر صاحبان قدرت در میان راهبردهای توسعه باید انتخاب کنند ،آیا می خواهند جامعه ای آزاد ،بالغ، مومن و دانا داشته باشند که البته در کنار این خوبیها انسانهایی گه گاه ناتوان و دروغگو و عقب مانده نیز زندگی می کنند و یا بر عکس می خواهند جامعه ای بسته و مدیریت شده و محدود داشته باشند و منتظر عبور تک شهاب هایی در آسمان آن بمانند ،شاید پاسخ بگویید که امری بینابین ایده آل است اما حقیقت آن است که امر بینابین در این باره امری خیالی است و وجود تاریخی نداشته و ندارد پس لاجرم باید صاحبان قدرت انتخاب کنند ،گمان بنده بر آن است باید راه نخست را برگزینیم زیرا در کنار در ختان تناور و سربلند آزادی در خت های کوتاه و تنک هم رشد می کنند اما نباید بر آنها تمرکز کرد، عقابان بر روی بلندترین درختان می نشینند و پرواز می کنند و بر روی والا ترین قله ها خانه می کنند و آشیان می گزینند ،به این خاطر گمان می کنم سعه صدر و نگاه به افق های دور دست در کنار اصلاح روش ها و سیاستهایی که منجر به چنین رویه هایی می شود، باید در اولویت صاحبان قدرت باشند ،ضمن آنکه آزادی همانند کبوتر دل نازک است و زود از بام ما خواهد پرید، باید مراقب پرنده نوپای آزادی بود و در همان حال با دقت و تامل امور را تدبیر کرد تا به خاطر چند برگ زرد درختی را سمپاشی نکنیم که فرصت تربیت انسانها از دست میرود ،در کنار آن فعالان رسانه ای نیز باید بدانند در هنگامی که در چنین چنبره ای گرفتار می شوند باید به جای آنکه در اعتراض به شکایت فریاد بزنند و شاکیان را متهم به عقب ماندگی کنند بر اجرای صریح و شفاف قانون تاکید نمایند ،زیرا بنیان جامعه مدنی قانون است و خواست صد و بیست ساله ی ملت ایران تنها در همین یک کلمه خلاصه شده است

صاحب امتیاز گلشن مهر

گلشن مهر
۰۱۷۳۲۲۵۱۳۱۶
۰۱۷۳۲۲۴۱۱۹۵
۰۱۷۳۲۲۴۴۳۰۲

نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر
www.golshanemehr.ir

---

خبر

## هفتاد و دومین زادروز قلندر موسیقی ایران در گرگان برگزار شد

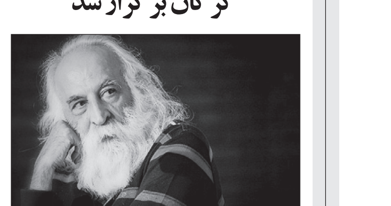

هفتاد و دومین زاد روز استاد و قلندر موسیقی ایران، محمدرضا لطفی عصر دوشنبه در محل باغمزار وی واقع در محله سبزه مشهد برگزار شد. به گزارش ایرنا در این مراسم جمعی از اهالی هنر و موسیقی و علاقمندان مرحوم محمدرضا لطفی با حضور در مزار این هنرمند برجسته و قرائت فاتحه یاد و نام وی را گرامی داشتند. محمدرضا لطفی در ۱۷ دی ماه ۱۳۲۵ در گرگان دیده به جهان گشود و در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۳ در تهران دار فانی را وداع گفت.لطفی ردیف دان، موسیقی دان، آهنگساز، نوازنده برجسته تار و سه تار، همچنین پژوهشگر و مدرس موسیقی سنتی ایرانی بود.او از چهره های تاثیرگذار موسیقی ایرانی بود و با خلق آثاری چون ایران ای سرای امید، کاروان شهید، برادر بی قراره و عشق داند به میان توده مردم راه یافت.لطفی بنیانگذار کانون فرهنگی و هنری چاووش، گروه شیدا و مکتبخانه میرزا عبدالله بود و هنرمندان بسیاری از جمله خانواده کامکارها، مجید درخشانی، صدیق تعریف، حمید متبسم و حسین بهروزی نیا را تربیت کرد.او در کنار تار و سه تار، کمانچه، دف، نی و سنتور نیز می نواخت. لطفی تجربه همکاری با خوانندگانی چون تاج اصفهانی، غلامحسین بنان و شجریان را داشته و همچنین خوانندگانی چون شهرام ناظری، صدیق تعریف، محمد گلریز و محمد معتمدی اولین بار توسط محمدرضا لطفی به جامعه موسیقی معرفی شدند.لطفی به مدت پنج سال در هنرستان موسیقی به آموختن موسیقی پرداخت و این هنر را نزد استادانی چون علی اکبر شهنازی و حبیب الله صالحی فرا گرفت.صاحب اثر ماندگار همیشه در میان پس از پایان هنرستان به دانشکده موسیقی راه یافت و به تکمیل آموخته هایش پرداخت.او در این زمان از دیگر استادان نیز بهره جست که می توان به نورعلی برومند، عبدالله دوامی، سعید هرمزی و سایر استادان دانشکده موسیقی اشاره کرد.محمدرضا لطفی در سال ۱۳۴۳ جایزه نخست موسیقی دانان جوان را نیز به دست آورد و در اجرای ردیف آوازی توسط عبدالله دوامی با ساز تار وی را همراهی کرد. خالق عشق داند در سال ۱۳۵۳ به عضویت گروه علمی دانشکده موسیقی درآمد و در همین سال همکاری خود را با رادیو آغاز کرد.استاد محمد رضا لطفی به مدت یک سال و نیم مدیریت گروه موسیقی دانشکده موسیقی هنرهای زیبای تهران را بر عهده داشت و پس از آن از این سمت استعفا کرد.در سال ۱۳۵۴ گروه شیدا را راه اندازی کرد و به همراه گروه عارف به سرپرستی حسین علیزاده به بازخوانی و اجرای دوباره آثار گذشتگان پرداخت.در دوران اوج گیری انقلاب، گروه موسیقی شیدا به همراه گروه موسیقی عارف به سرپرستی حسین علیزاده در اعتراض به رژیم پهلوی از همکاری با رادیو انصراف دادند و کانون موسیقی چاووش را راه انداختند.استاد محمدرضا لطفی در دوران اوج گیری انقلاب، کانون موسیقی چاووش را با همکاری هنرمندانی چون هوشنگ ابتهاج، محمدرضا لطفی، شهرام ناظری، حسین علیزاده، پرویز مشکاتیان، علی اکبر شکارچی و ... راه اندازی کرد و در یک فعالیت چشمگیر آثاری از این گروه به جای ماند که به گفته بسیاری از اساتید از بهترین کارهای موسیقی ایران به شمار می روند.آثاری که بخش هایی از آن در قالب چاووش در چند آلبوم تولید شد و برخی از آنها نواهای انقلابی بود که حتی به شکل دستفروش در ایام انقلاب توزیع می شد.وی سال ۸۰ پس از سال ها دوری از وطن به ایران بازگشت و در مکتب خانه میرزا عبدالله و کانون شیدا به تدریس علاقه مندان موسیقی مشغول بود و ضمن چندین اجرای تازه، شاگردان بسیاری نیز در ایران توانستند در کنار این استاد برجسته موسیقی، مشق ساز بگیرند.زنده یاد استاد محمدرضا لطفی در ۶۸ سالگی بدرود حیات گفت و طبق وصیتش در زادگاهش به خاک سپرده شود.از آلبوم های محمدرضا لطفی می توان به به یاد عارف(بیات ترک)، چهره به چهره(نوا)، سپیده(ماهور)، چشمه نوش(راست پنجگاه)، جان جان(سه گاه)، معمای هستی(شور)، عشق داند(ابوعطا)، رمز عشق(ماهور)، گریه بید(سه گاه–اصفهان)، قافله سالار(نوا–راست پنجگاه)، پرواز عشق(سه گاه–اصفهان)، خموشانه(ابوعطا–بیات ترک)، چهارگاه، به یاد درویش خان(تکنوازی سه تار)، یادواره استاد نورعلی برومند(گروه همنوازان شیدا، دستگاه شور)، همیشه در میان(بداهه نوازی تار و سه تار در شور و دشتی)، بال در بال(شعر و موسیقی با هوشنگ ابتهاج)، تنها یک خاطره(بداهه نوازی تار و سنتور همراه با فرامرز پایور)، وطنم ایران(اجرای گروه همنوازان شیدا، ۱۳۸۷) و ای عاشقان(اجرای گروه همنوازان شیدا در بیات اصفهان, ۱۳۸۸) اشاره کرد.

# زبان رمزی لوترای استرآبادی

سمانه شهری نژاد

در تعریف زبا ن شناسی، زبان در برگیرنده ی گویش و لهجه نیز می شود، زبان، اولین وسیله ی ارتباطی بین انسان هاست که وظیفه ی اصلی آن برقراری ارتباط کلامی است. گویش، زیرمجموعه ای از زبان است که گاهی از لحاظ تلفظ و گاهی از لحاظ لغت وگاهی از لحاظ دستور متفاوت می باشد و از آن به عنوان«واژه ای تازه ساز» و یا« زبان محلی» یاد می کنند. لهجه، زیرمجموعه ای از زبان است که فقط از لحاظ تلفظ با هم متفاوت می باشد» به اصطلاح جدید گویش، در قرن بیستم علمی شد.« زبان رمزی جز زبان های خاص قرار می گیرد که عامیانه و قابل فهم نیست، این زبان برای غیر خودی ها نامفهوم می باشد. زبان رمزی نام دیگری به خود می گیرد و آن«کنت» است. در انگلیس به معنای زبان مبهم و تخصصی شده یا واژگان خاص یک حوزه بکار می رود. « این زبان ها که در برابر زبان طبیعی قد علم می کنند، ریشه در زبان گفتاری مردم دارند و در بحث های زبان شناسی با اصطلاحات و عبارت های گوناگونی مانند «زبان های ساختگی»، «صورت شکسته زبانی»، «زبان ترکیبی»، «زبان پیوندی»، «زبان آمیخته» و غیره توصیف شده اند در قدیم «لوترا» نامیده می شدند. سابقه استعمال و پیشینه این زبان از دوران قدیم چنان است که در قصیده «ساسانیه» ابودلف خزرجی که ثعالبی آن را در یتیمهٔ الدهر آورده، شماری از واژگان زبان ساختگی و رمزی رایج در میان ساسانیان آمده است. «

زبان رمزی که نامهای لوتره، لوترا، لوتر، وارو، وارونه و مخفی به خود دارد از نظر کاربرد در میان گروههای قومی، اجتماعی و شغلی می توان در چهار گروه طبقه بندی کرد:

۱–«لوتراهای ویژه گروههای قومی مانند کولیان و یهودیان. چنان که استاد احسان یار شاطر معتقد است که احتمالاً واژه لوترا از جامعه یهودیان دوران قدیم به جامعه فارسی زبانان راه یافته است و lo–torah یعنی غیر تورانی یا زبانی جدا از زبان عبری معنی می دهد.» «برخی نیز معتقدند که کولی های شرقی، زبان لوترا را که شاخه های خاصی چون مرغی، زرگری، سینی و ... از آن جدا شده است پایه زبان خویش قرار داده اند و ته مانده این زبان در ایران در منطقه گلستان، خراسان، کاشان و کرمان بازمانده در میان کولی هاست و جزو زبان های نهانی ایرانی قرار دارد.»

۲ – لوتره ای ویژه فرقه های دینی مذهبی مانند درویشان.

۳ –لوتره ای ویژه گروههای حرفه ای و صنفی مانند لوترهای دزدان و راهزنان و گدایان و مطربان.

۴ –«لوتره ای همگانی رایج در میان عامه مردم که معمولا در لایه های جامعه و توده مردم به ویژه زنان بکار میروند مانند لوتره ای زرگری، مرغی و گنجشکی. همه این لوترها از نظر ساختمان دستوری عمدتا تابع ساختمان و قواعد نحوی زبانها و گویشهای معمول در جامعه هایی هستند که در آنها بکار می روند، لیکن از نظر ساختمان واژگان و یا قواعد آوایی با زبان و گویش رایج میان مردم جامعه فرق دارد.» زبان رمزی جز زبان پنهان ایرانی قرار دارد.دکتر هاینری شبرگیش در سفر نامه ی خود به ایران درباره این زبان نوشته است: زبان رمزی طایفه ای دارد که اصل و نسب آن به اسکندر مرتبط است.

«لوترا» زبانی است که به گفته مؤلف حدودالعالم (۳۷۲ه.ق)، مردم استرآباد (گرگان کنونی) در کنار زبان مرسوم خود (یعنی پارسی گرگانی)به آن صحبت می کردند.» در توضیح این اصطلاح، تعاریف مختلف دیگری نیز آورده شده است که ذیلاً ذکر می شود:

–در جلد سوم از فرهنگ فارسی معین به این واژه بر می خوریم که در آن توضیح آن نوشته شده است:«زبانی غیر معمول که دو کس با هم قرار داده باشند که بدان سخن گویند تا دیگران از آن چیزی نفهمند، زبان شکسته؛ مردم استرآباد به دو زبان سخن گویند یکی به لوترا(ی) استرآبادی و دیگری به پارسی کردانی.»

–در لغت نامه دهخدا از قول فرهنگ جهانگیری آمده است:« شکسته زبانی، زبانی بود که دو کس با هم قرار داده باشند که چون با هم سخن کنند دیگری نفهمد و آن را زبان زرگری نیز گویند.»

–لیف گیاهی است و در لوترا ریش را لیف گویند. نسخه ای از لغت نامه اسدی.

–کمال اسماعیل در چند شعر مجزا از لوترا یاد می کند: دانی چه نام دارد کل کتبه لوترا/اندر زبان اهل سخن ناودان شکر /خرد سر غیبی کند فهم از و/ چوگوید سر کلک تو لوترا / هر چه با خویش و آشناگویی/همه مرموز و لوتراگویی»

–در فرهنگ جهانگیری از لوتره به لوترا و در برهان قاطع به لوتر یاد شده است.

–در برهان قاطع از لوترا چنین یاد شده است:همیشه تا که بود زیف زشت و دخنی کو/به لفظ لوتره گویان یاوه گوی دخ /ز چرخ باده مه شغل دشمنان تو زیف/ز بخت باده مه کارد و ستان تودخ. سوزنی سمرقندی

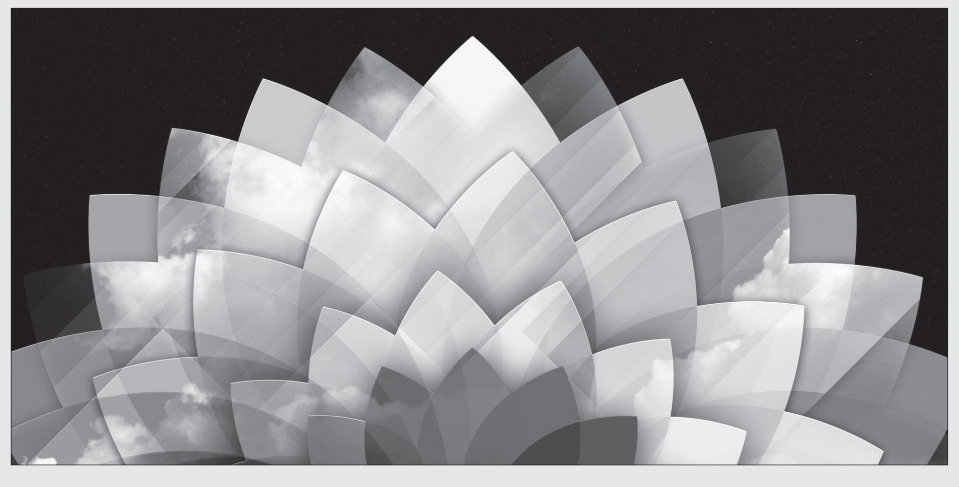

–لوترا زبان زرگری یعنی زبانی که دو کس میان خود قرار داده اند تا چون با هم سخن می گویند دیگران نفهمند. و لغز و چیستان». از ن به «زبان شکسته و ساختگی» ولتره» نام بردند. لوترای گرگانی را به یهودیان شهر گرگان و استرآباد قدیم نسبت داده اند که نامهای لوترایی، لوتلایی و لوفلایی داشته است. لوترای استرآبادی در حقیقت یک نوع زبان تبدیلی است که هر کلمه و یا جمله ای از هر زبان و گویشی را می توان به شکل جدید درآورد که درک آن به علت محدود نبودن ساختار مانند، برای ناآشنایان غیر ممکن است. بخشی از ویژگی های زبان لوترای استرآبادی:

کلمات دوحرفی: او / وت؛ من / نم؛ پا / اپو... کلمات سه حرفی:آذر / ذرآ؛ آرد / رآد؛ چای / یاچو... کلمات چهار حرفی: آنتن / تانان؛ آدرس / رادهسو... کلمات پنج حرفی: آبخند / خنداب و....

در تبدیل کلمات به لوترای استرآبادی، هجاهای مقدم و موخر در کلمات اصلی تغییر می کند که هر کدام قواعد دستوری خاص خوددارادارند».

# قاضی برهان الدّین احمد سیواسلی

آغاز نشست های ماهانه ی جمعیت فرهنگی هنری مختومقلی کلاله در ۲۹ فروردین ۱۳۸۲، زمینه ی آشنایی و ارادت بنده را به استاد روانشاد قدیر گوکلانی فراهم آورد.ما وقع چنین بودکه دوست فاضلم ، جناب آقای عنصری ضمن گفتگو در خصوص فعالیت های جمعیت مذکور، در باره ی تصمیم ایشان برای برگزاری نشست های ماهانه به صورت سخنرانی و پرسش و پاسخ توضیح دادند و از حقیر خواستند که در اولین جلسه ، در باره ی تارخ ترکمن ، با تاکید بر تاریخ آق قویونلو ها صحبت کنم.این کار انجام شد. در پایان جلسه آنچه مرا شگفت زده کرد، واکنش استاد گوکلانی بود. بنده نه سخنران خوبی بوده و هستم، و نه تاریخ دان و تاریخ خوان فوق العاده ای، امّا رفتار روانشاد این حس را در بنده ایجاد نمود ، که گویا مطالب مطروحه دلالت بر تاریخ خوانی و تاریخ دانی حقیر دارد. احترامی که ایشان برای بنده قائل شدند و عناوین محبّت آمیزی که برشمردند، شدیداً شرمنده ام نمود. همان زمان تصمیم گرفتم همکاریم را با جمعیت کلاله ادامه دهم. بحمدالله این کار را داوطلبانه هم انجام دادم،یعنی برای ارائه ی مطلب خود پیشقدم شده ام و اگر عمری باشد ،خواهم شد.این که از رحلت ایشان غمگین شده ، حسرت از دست دادن روانشاد را مطرح نمائیم، امری طبیعی است.بنده فکر می کنم باید ادامه دهنده ی کار هایی باشیم که قدیر گوکلانی را به« قدیر گوکلانی علم آتا» تبدیل نمود.نشر علم و اندیشه – در قالب مدرسه، کتابخانه، راهنمای و ارشاد نسل جوان– با صمیمیت، بدون انتظار و تا آخرین لحظه.باشد تا چنین شویم.احترام و ستایش مردمان به آن مرحوم– قبل از درگذشت ایشان و اکنون– ما به ازای یک عمر خدمت صادقانه بود.مردم خادمین صادق را در اندیشه و قلوبشان زنده نگه می دارند.

قاضی برهان الدّین ( متوفّای ۸۰۰/ ه.ق– ۱۳۹۸/م) عالم و شاعر، موسّس دولتی که به نام خود اوست.او در سوّم رمضان ۷۴۵(۸ ژانویه ی۱۳۴۵) متولّد شد. نام اصلی او احمداست و پسر شمس الدّین محمد، قاضی قیصریه می باشد. نیاکان ایشان ، محتملاً در اوایل قرن هفتم ه.ق (قرن ۱۳/م) از خوارزم کوچ نموده اند.ابتداء در قسطمونی و سپس در قیصریه مستقر شدند. ایشان به خاندانی از طایفه ی سالور، از طوایف اوغوز نسب می رسانند. تمام اجداد شناخته شده ی وی قاضی بوده اند.( عزیز اردشیر استرآبادی ، صفحه ی ۴۲–۴۷) مادرش از خویشاوندان سلطان غیاث الدّین کیخسرو، و دختر عبد الله چلبی، فرزند جلال الدّین محمّد مستوفی ، از چهره های متنفّذ سلجوقیان آناتولی بود.

برهان الدّین از سنین اولیه ی عمر تحت نظارت دقیق پدرش به آموختن علم پرداخت. دروس عربی، فارسی،لغت،صرف ونحو، خط، عروض، حساب و منطق را آموخت. علاوه بر آن دلبسته ی ورزش های رزمی بود و به رشته هایی چون اسب سواری و شمشیر بازی وتیراندازی می پرداخت. در سال ۷۵۷ ه.ق(۱۳۵۶/م) به همراه پدر، به دمشق و دو سال بعد به قاهره عزیمت نمود، ودر آنجا دروس فقه،فرایض، حدیث و تفسیر آموخت.سپس برای زیارت قطب الدّین رازی – که از بزرگان علوم عقلی و نقلی زمان محسوب می شد – عازم دمشق شد.( ۱۳۶۲/م) و به مدّت یک سال و نیم در محضر وی به یادگیری علوم ریاضی و الهیّات پرداخت. در ۱۹ سالگی ازدمشق برای زیارت ،عازم مکّه گردید. در حین بازگشت به آناتولی،چون پدرش ، شمس الدّین محمد در معرّه، واقع در شمال سوریه در گذشته بود، یک سال در حلب اقامت نمود و به فعّالیت های علمی خود ادامه داد.در سال ۱۳۶۴/م به قیصریه بازگشت و از طرف محمد بی، پسر ارتنه به عنوان قاضی شهر منصوب گشت ، ضمناً با دختر او ازدواج نمود. در امر قضاوت برای برپا داشتن عدل و داد، تلاش صمیمانه ای انجام داد، در آمدهای موقوفات را سر و سامان داد و جلوی سوء استفاده از این موسّسه ها را گرفت.

در سال ۷۶۶/ه.ق–۱۳۶۵/م با کشته شدن محمد بی پسر آرتنه ، توسّط حاجی شاد گلدی،حاجی ابراهیم و قلیچ ارسلان – که از امرای نظامی وی بودند– مملکت دچار آشفتگی گردید. در این حادثه قاضی برهان الدّین نیز در مظان اتهام بود، امّا در خصوص نقش او هیچ امری اثبات نگردیده است.علاء الدّین علی بی، پسر سیزده ساله ی محمد بی به جانشینی او برگزیده شد. عدم صلاحیت و ضعف شخصیت او بزودی پایه های اقتدار دولت را به لرزه در آورد و هر امیری در یک ولایت رفتار خودسرانه ای در پیش گرفت. در سال ۱۳۷۵/م علاء الدّین بی قارامانی ، قیصریه را به تصرّف در آورد.علاء الدّین بی ارتنه به سیواس گریخت. در این بین قاضی برهان الدّین ، ابتداء در مزارع اطراف قیصریه متواری گشت، بعداً با کمک برخی از افراد دولتی، قیصریه را از دست آل قارامان خارج ساخت و بدینصورت علاوه بر قضاوت و قاضیگری ،استعداد نظامی و سیاسی خود را به اثبات رساند.بدین خاطر علاء الدّین بی در ربیع الاوّل ۷۸۰ ( ژوئن – ژوئیه ی ۱۳۷۸/م) او را به منصب وزارت بر گزید. قاضی برهان الدّین سعی کرد در کنار وزارت، امور دولت را تماماً در اختیار خود بگیرد. این امر باعث ناراحتی علاءالدّین گردید و سعی نمود نفوذ او را از بین ببرد. امّا کسی که در این مبارزه غالب آمد، برهان الدّین قاضی بود، که موفّق گردید اختیارات اداری و نظامی را نیز بدست آورد و عنوان « ملک الامراء » یافت. قاضی برهان الدّین به هنگام وزارت ، برای بهبود اوضاع مردم تلاش بسیاری انجام داد .پس از در گذشت علاء الدّین بی در سال ۱۳۸۰/م مجلس مردمی سعی کرد ویرا به عنوان نایب پسر حکمران متوفّا برگزینند، امّا وی از پذیرش آن امتناع نمود.لذا این مسئولیت بر عهده ی قلیچ ارسلان بی ترکمن، گذاشته شد.امّا افرادی که از نیابت سلطنت قلیچ ارسلان ناراضی بودند، به اندیشه ی آوردن قاضی برهان الدّین به رأس دولت، با تمام اختیارات ، افتادند. در این حین قاضی برهان الدّین متوجّه شد که قلیچ ارسلان که با همسر بیوه ی علاء الدّین بی ازدواج کرده بود در اندیشه ی انجام سوء قصد علیه ی وی می باشد. بدین سبب سریعاً واکنش نشان داد و او را بقتل آورد( ۱۴ ذیقعده ی ۷۸۲ ه ق – ۹ فوریه ۱۳۸۰/م). مجلس مردمی که پس از این رویداد تشکیل شد، قاضی برهان الدّین را محق شناخت و وی را به نیابت سلطنت پسر علی بی برگزید. برهان الدّین بعداً حاجی شاد گلدی رقیب اصلیش را از گردونه ی رقابت خارج ساخت و حاکمیت خویش را برسیواس اعلان نمود( ۷۸۳ ه .ق – ۱۳۸۱ /م ) و به نام خود خطبه خواند و سکه ضرب نمود.بعداً با اعزام سفیرانی نزد سلاطین و امرای آناتولی، سوریه و عراق، شروع سلطنتش را اعلام نمود. بدین طریق قاضی برهان الدّین که به حاکمیت آل ارتنه پایان داده بود،برای گسترش دایره ی حاکمیت خویش واردرقابت و نبرد با آل قارامان، مملوکان، عثمانیان و برخی از امیر نشین ها گشت.

قاضی برهان الدّین در جنگی که با قارایولوک عثمان بی فرمانروای آق قویونلو انجام داد، به اسارت در آمد. قارایولوک عثمان در حالی که قاضی برهان الدّین را در اختیار داشت،به جلوی دروازه ی شهر سیواس آمد و خواستار تسلیم شهر شد. امّا مردم زیر بار این امر نرفتند.بدین سبب قاضی برهان الدّین قبول کرد در صورت آزاد کردنش ، قیصریه و اطرافش را به آق قویونلوهاواگذار نماید.قارا یولوک عثمان این پیشنهاد را نپذیرفت و در جلوی باروی شهر سر از تنش جدا نمود( محتملاً در ذیقعده ی ۷۹۹– ژوئیه ی ۱۳۹۸/ م ). منابع در خصوص محل قبر وی اطلاعات کافی بدست نمی دهند، ولی گمان می رود در مکانی در سیواس که مقبره ی قاضی برهان الدبین خوانده می شود مدفون باشد. این مقبره–که هنوز هم اهالی سیواس به زیارتش می روند به حالت مخروبه در آمده است توضیح آنکه مقبره در سال ۱۹۵۶ ترمیم و تعمیر شده و به صورت بقعه ای با چهار ستون سنگی ، در خور شان قاضی احمد در آمده است – و سنگ های مقبره در محل« گوک مدرسه » نگهداری می گردد.( با مرگ برهان الدّین قاضی ، قلمرو آل آرتنه، که به برهان الدّین رسیده بود، به قلمروی عثمانیان اضافه شد و ییلدیریم بایزید، زین العابدین پسر برهان الدّین قاضی را در سلک امرای عثمانی در آورد. تاریخ دولت های اسلامی و خاندان های حکومتگر، تالیف لین پل و دیگران ، ترجمه ی صادق سجّادی، نشر تاریخ ایران، سال ۱۳۷۰، جلد ۲ ص ۴۳۷)

قاضی برهان الدّین ، که بدون در نظر گرفتن دوره ی نیابت سلطنت،۱۷ سال نیز فرمانروایی کرده است، یکی از حکمرانان مهم دوره است، که حتّی تیمور نیز از وی احتراز می نمود.منابع ویرا دارای شخصیّتی قوی، عالم، عادل، ذکی، حامی دانشمندان و در عین حال یک نظامی و فرمانروای جسور و بی باک معرّفی می کنند. او بخاطر مقتضیات و شرایط، اختیارات نظامی و غیر نظامی دولت را خود در اختیار گرفت.پس از لشگر کشی و فتح سرزمین های جدید، فعالیت های عمرانی در آن صورت می داد.برای بهبود و احیای اوضاع اقتصادی تدابیر لازم را اتخاذ می نمود.به موضوع امنیت راه ها اهمیت بسیار قائل بود. از وضع عوارض جدید اجتناب می نمود. عزیز اردشیر استرآبادی کتاب « بزم و زرم » را که تاریخی با ماهیت خصوصی و شخصی می باشد به دستور وی به نگارش در آورد.(این کتاب منبعی در تاریخ آناتولی بشمار می رود و بدستور برهان الدّین در باره ی وقایع آن عصر به رشته ی تحریر درآمده است و روشنگر بخشی از تاریخ آناتولی است و از این لحاظ جزو ـثار قابل ذکر است . / م.ق)

شخصیت ادبی و صوفیانه یِ قاضی برهان الدّین احمد سیواسلی

قاضی برهان الدّین در تحولّات قرن ۱۴ /م ادبیات ترک ، به عنوان شاعر، سهمی مهم و ارزنده داشته است. او چون در خارج قلمروی عثمانی می زیست ، در منابع عثمانی چندان نمود و جایگاهی ندارد.تاش کوپری زاده و خوجا سعد الدّین افندی و کاتب چلبی، به ذکرمعروفیت او بسنده نموده اند، ولیتذکره های عثمانی ابداً نامی از وی نبرده اند.

اشعار قاضی برهان الدّین به عنوان شاعر سراینده ی اشعار تغزّلی، از جنبه ی احساسات به اشعار« فضولی » و از جنبه ی رنگ ، درخشش و صمیمی بودن ،اشعار « باقی » را تداعی می نماید. اصلی ترین ویژگی شعری او کاربرد فراوان عناصر زیبایی معشوق، چون: گیسو، ابرو، مژگان،چشم،رخ و دهان می باشد. شاعر بیشتر از صنایع ادبی تشبیه، توریه و جناس بهره برده است. در اشعار وی می توان انعکاس جنگ و نبرد های وی را نیز مشاهده کرد. بیت زیر شاهد مثالی روشنگر است:

صوفی لرین دیلگی محراب نماز
آر کیشی نین آرزوسی میدان اولور

وی در سرودن شعر به جنبه های دنیوی توجه داشت و به موضوعات دینی کم پرداخته است. او غزلیات صوفیانه هم دارد، که در آن ها اصطلاحات صوفیانه ای چون : غیب، شهود، جذبه، تجلّی و جم را به درستی بکار برده است. عناصر زیبایی معشوق را از جنبه ی صوفیانه ارزیابی نموده است. شاعر از انواع شعر قبل از اسلام ترکان، وظیفه ی انتقال شعر « تویوغ » به اناتولی را در نظر داشته است. او که به طرز و شیوه ی تویوغ باستانی احاطه داشت، درک حکمت را با رسم شاعرانه گرد آورد و تداوم بخشید. قاضی برهان الدبین صوفی نبود ، امّا با تصّوف هم بیگانه نبود. زیرا وی پس از مطالعه ی « فصوص الحکم » اثر محی الدّین ابن عربی ،ظاهر و باطن بر وی آشکار گردید و نور الهی را مشاهده نمود.( عزیز استر آبادی،ص ۳۵۵). او با مطالعه ی کتب دیگر ، اطلاعاتش را افزایش داده بود،به صوفیان احترام بسیار قائل بود.

اوکه از شعرای ایرانی چون: انوری، حافظ شیرازی وعمر خیّام تاثیر پذیرفته بود، عروض را به زیبایی بکار نبسته است. توضیح این که این مسئله، تقریباً درباره ی همه ی شعرای ترک صادق می باشد.(قاضی برهان الدّین احمد سه روز از ایاّم هفته را به مباحثه با علماء اختصاص داده بود.ضمناً از عناوین آثار مختلفی که در دست داریم، معلوم می شود که وی کتابخانه ی زیبا و معظمی داشته است . / م.ق )او علاوه برشعر ترکی، به فارسی و عربی نیز شعر سروده است.زبان شاعر عموماً به زبان ترکی دوره ی باستانی آناتولی و ترکی آذری مرتبط دانسته شده است.دیوان او،از این جهت که از معدود آثاری است که بدست ما رسیده و ملزومات زبانی آن دوره را در بر دارد–اهمیّت دارد. تنها نسخه ی دیوان قاضی برهان الدّین، توسّط «توماس فیوت هیوز»از استانبول به لندن و بریتیش میوزیوم انتقال یافته است. این نسخه بدست یکی از خوشنویسان برهان الدّین قاضی ، به نام « خلیل ابن احمد»در سال ۷۹۳/ه.ق استنساخ شده، اعراب گذاری شده و به خط زیبای «نسخ سلجوقی »نوشته شده است.دیوان شامل بیش از ۱۳۰۰ غزل، ۲۴ رباعی، ۱۱۵ تویوغ است. قاضی احمد تخلّصی استفاده نداشت.اولین کسی که به دیوان وی علاقه و توّجه نشان داد«پ.ملیورانسکی» مستشرق روس بود.

آثار قاضی برهان الدّین احمد سیواسلی

۱–« اکسیر السعادات فی اسرار العبادات » کتابی است در خصوص حکمت های عبادات. نگارش این اثر در سال ۷۹۸ ه.ق.به پایان رسیده است و نشان دهنده ی معلومات و دانش غنی اوست. ( کتاب در سه باب– این اثر در باره ی وجود،خلقت و حکمت بحث می کند– و در شب های زمستانی که به جنگ رفته بود، به نگارش در آمده بود./ م .ق)

۲–« ترجیح التوضیح » حاشیه ای است بر کتاب « تلویح » اثر سعد الدّین تفتازانی در باره ی فقه. برهان الدّین با تالیف این کتاب به ردّ آن پرداخته است.( او ضمناً سعد الدّین را برای آنکه در آغاز اثرش نوشته بود که تحت تاثیر متفکّران ایرانی قرار گرفته، به نام عرفان ترک مورد اعتراض قرار داد. سعد الدّین از فقهای بزرگ مذهب حنفی است./ م.ق ).کتب برهان الدّین قاضی در فقه و اصول، تا امروز نزد علماء معتبر است (تاریخ دولت های اسلام ص۴۳۷)

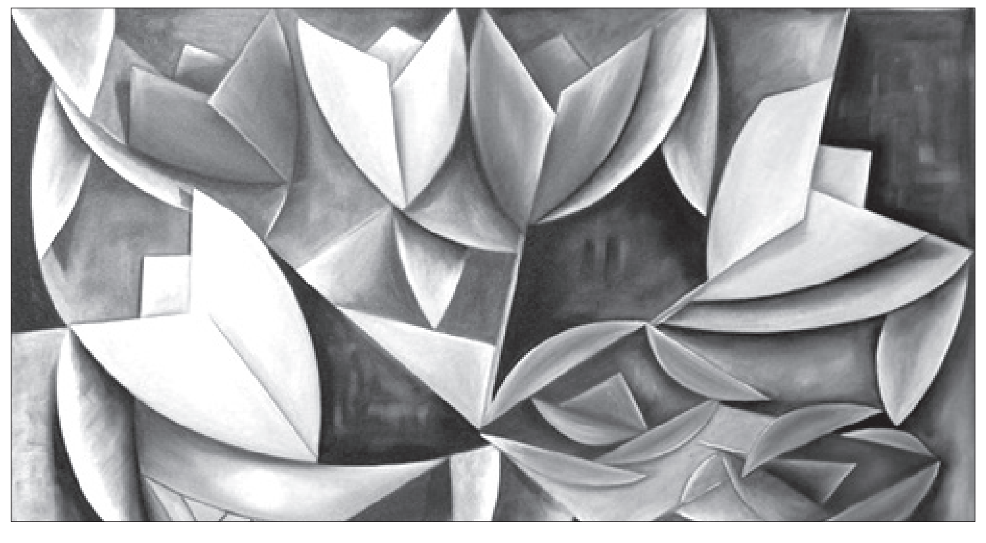

## تغییر نام و تضعیف هویت

علی بایزیدی

هویت، ریشه در دل تاریخ دارد، تاریخی که تجربه های فرهنگی، هنری، ادبی و اجتماعی انسان و جامعه ی انسانی را نسل اندر نسل، هویدا می سازد و به رخ می کشد. ما ایرانیان در چنین سرزمینی زندگی می کنیم، سرزمینی تاریخی و باستانی. تاریخی غنی و پرفروغ که هویت ملی ما را در این درازنا به رخ کشیده است. تاریخی چندهزارساله با هزاران هزار افتخار و افتخارآفرین. در این میان آنچه شناسه ی هویت های تاریخی ست، «نام» است. نام هایی که می مانند و تاریخ را می سازند. این نام های ریشه دار، شالوده و اساس هویت ها هستند. چیزی ساده که به سادگی نمی توان از کنار آن گذشت: «نام».اگر نامی نباشد، شناسه و هویتی هم نیست و هر بی نام و گمنامی، بی گمان دستخوش فراموشی می شود و از خاطره ها، محو.در این رهگذر، از میان رفتن نام ها یا تغییر آنها، ضربه ی مهلکی است بر پیکره ی شناخت نامه ی آن موجود.تاریخی که به سادگی به گسست می انجامد. هویتی که منفصل می شود، ریشه هایی که می خشکند و پیکره ای که با قطع ریشه هایش از درون می خشکد و می پوسد. ریشه،به فراموشی سپرده می شود وپیکره به ناچار دست به دامان ریشه های نویافته می شود و بالاجبار در همان خاکی که قرن ها، ریشه ها دوانیده بود، بی خبر از هویت تاریخی نهفته اش، می رود تاتاز نو، پا بگیرد و رشد کند. در واقع تغییر در نامَ و نشان ها، آن هم نام هایی که از دیرینگی برخوردارند،به سادگی می تواند اسباب زوال وثوق و اعتبار هر نامداری را فراهم آورد، بارزترین مصداقی که در سالیان اخیر بازتاب های گسترده و واکنش های گوناگون در پی داشته، تغییر نام باستانی «خلیج فارس» (Persian gulf) به نام ساختگی «خلیج عربی» است، امری که بنا به دلایل مختلف ازجمله نفاق افکنی های برخی سردمداران غربی به¬منظور متشنج نگاه داشتن فضای حاکم بر منطقه ی متمدن و تاریخی خاورمیانه و جلوگیری از اتحاد و همسویی مسلمانان و...، صورت گرفته است.

محدودهی جغرافیایی استان گلستان نیز بیش از هشت دهه است که در این ماجرا گرفتار آمده و اقدامهای شتابزده و سطحینگرانه در تغییر نام های جغرافیایی اش، سیر قهقرایی شهرتعلمی و فرهنگی اش را هموار ساخته است.در دوران پهلوی اول، تصمیمی یک جانبه نگرانه در راستای احیای یک نام تاریخی – گرگان – گرفته شد، لکن سه هزار سال تاریخ درخشان منطقه را دستخوش تغییراتی ریشه ای و بنیادین کرد و چون تیشه ای به جان این ریشه افتاد. شهری که قرنها«استرآباد» خوانده می شد و گهگاه با تصحیفاتی، «استارآباد» و «استارباد»، «گرگان»ی نام گرفت که سالیان بسیار از نخستین روزهای تمدن بشری، نود کیلومتر به طلوع آفتاب، نزدیکتر بود؛ اما حدود ششصد سال پیش، به دستان غدّار روزگار، ویرانه گردیده بود. در جوار همان ویرانههای باستانی، نهالی با همان حال و هوای ریشهدار روئید و به خاطر تنها یادگار معماری باقی مانده از آن ویرانه، «گنبد قابوس» نامیده شد. بعدها نیز به تصمیمی نابه جاتر، «قابوس» به «کاووس» مبدل شد تا اگر آن نام، کمی هم،ریشه هایی به سمت تاریخ داشت، دوباره بخشکد.

بسیاری از پژ.هشگران ملی و محلی معاصر در حوزه ی تاریخ و جغرافیا، از جمله زنده یادان سیدمحمدتقی مصطفوی، سیدمحمد محیط طباطبایی، منوچهر ستوده، آیت الله سید احمد شبیری زنجانی و نیز کاوه بیات، شیخ رسول جعفریان، جبرئیل نوکنده، رمضانعلی قائمی،رحمت الله رجائی، محمود اخوان مهدوی، نگارنده و دیگران، بر امر بزرگ تاریخی صحه گذاشته اند چراکه سال هاست که بر پهنه ی نقشههای جغرافیایی ایران زمین، نه نامی از «استرآباد» است و نه از «جرجان». تنها یک «گرگان» به جای مانده که آن هم جابجاست وچه نامداران «جرجانی» و «استرآبادی»نامی که بر صفحه ی روزگار امروز، در به در به دنبال زادگاه و موطن خویشند. احیای این نام های تاریخی که به تصمیم کارشناسی نشده ی پادشاه وقت پهلوی از میان رفتند، نه تنها می تواند گره ی کور هشتادساله ای را بگشاید، که می تواند در آستانه ی ورود به پنجمین دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، آخرین آثار تصمیمات نابجای به جای مانده از آن دوران را نیز پایان بخشد.لذا ازهمه ی آنها که دغدغه ی هویت تاریخی دارندو به رشد و توسعه ی این سرزمین تاریخی می اندیشند و بر جایگاه مسئولیت تکیه زده و پرچمدار نهادهای ذی ربط هستند: استانداری ، فرمانداری،شورای اسلامی و شهرداری گرگان و گنبدکاووس، شورای فرهنگ عمومی و هر سازمان تصمیم گیرنده در حوزه ی تغییر نام های گرگان و گنبدکاووس و البته «استان گلستان»، و نمایندگان محترم مجلس، خواستاریم تا با اتخاذ تصمیمی تاریخی و ماندگار، با احیای آن نام های هویت ساز، به این دوران فترت، پایان دهند و پازل جغرافیایی این سرزمین را به همان شکل و شمایل باستانی و تاریخی اش برگردانند.

مدیرمسئول و صاحب امتیاز فصلنامه استارباد